

تحلیلی بر رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

(مطالعه موردی: کشورهای با سطوح مختلف توسعه انسانی)

رضا ویسی^۱

حسین نازکتابار^۲

چکیده

امروزه در مباحث توسعه، علاوه بر سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی، مفهوم نوظهور دیگری تحت عنوان "سرمایه اجتماعی" مطرح شده است. سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از عناصر فردی و گروهی، رسمی و غیررسمی در اجتماع به همراه روابط واقعی و انتزاعی درون و بین آن عناصر، اشاره دارد که با خلق مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی، موجب زایش اثراتی هم‌افزا شده و در نهایت بر تمامی ابعاد توسعه، تأثیر می‌گذارد. در این مقاله، رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از جنبه‌های مطرح در خصوص مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی است که دارای ابهامات فراوانی است. مقاله حاضر با استفاده از داده‌های ۱۶۴ کشور در زمینه شاخص‌های "درصد زنان شاغل در سطوح وزارتخانه‌ای" و "درصد کرسی‌های اشغال شده توسط زنان در مجلس" به عنوان شاخصهای سرمایه اجتماعی و داده‌های "سرانه تولید ناخالص داخلی" به عنوان شاخص توسعه اقتصادی و با بهره‌گیری از تحلیل همبستگی پیرسون، به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی پرداخته است. نتایج بررسی رابطه بین سرانه تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه اقتصادی با شاخص درصد زنان در سطح وزارتخانه‌ها، در بین کشورهای با توسعه انسانی بالا، متوسط و

۱. کارشناس ارشد مطالعات توسعه - مدرس دانشگاه پیام نور و کارشناس معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور

r_veicy@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان مازندران

hntabar@yahoo.com

پائین؛ حاکی از آن است که تنها در کشورهای با توسعه انسانی بالا رابطه معنی‌دار و مثبتی بین شاخص توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی، وجود دارد.
کلیدواژگان: سرمایه، سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی.

مقدمه

سرمایه، یکی از عوامل اساسی در فرآیند تولید و رشد اقتصادی است. به هر نوع دارایی که دارای قابلیت تولید باشد، سرمایه اطلاق می‌شود. شکل‌های گوناگونی از سرمایه، در مقاطع زمانی مختلف، مورد توجه بوده است. در دو دهه اخیر، مفهومی در بین اقتصاددانان رواج پیدا کرد مبنی بر اینکه منافع سیستم‌های سرمایه‌داری، تنها از مزایای رقابت در بازار مشتق نمی‌شود، بلکه همکاری‌ها و تعاون بین اعضای جامعه نیز بر تولید و ایجاد منافع در جامعه مؤثر هستند. آنان این مفهوم را تحت عنوان "سرمایه اجتماعی" نام‌گذاری کرده‌اند [الوانی، ۱۳۷۹، ۲۵].

درباره زمان و مکان مطرح شدن مفهوم سرمایه اجتماعی، توافق قطعی وجود ندارد. بنا بر مستندات موجود، واژه سرمایه اجتماعی برای اولین بار در سال ۱۹۱۶ در آمریکا مطرح شد و در دهه ۱۹۷۰ به صورت تئوری سرمایه اجتماعی توسط لوری وارد عرصه اقتصاد شد [الوانی، ۱۳۷۹، ۲۷]. مفهوم سرمایه اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی شد. این مفهوم در اواخر دهه ۱۹۸۰، برای اولین بار نیز توسط جیمز کلمن وارد عرصه سیاسی شد. تئوری سرمایه اجتماعی، عمدتاً با نظریه‌ی بوردیو، کلمن و پوتنام تکامل پیدا کرد [ازکیا و دیگران، ۱۳۸۳، ۷۵].

در حقیقت، بیشتر توجهات اخیر به سرمایه اجتماعی، ناشی از مطالعات پوتنام، لئوناردی و فانتی (۱۹۹۳) است که اثبات کرده بودند ایتالیای شمالی در مقایسه با ایتالیای جنوبی، در دستیابی به توسعه، دارای سرعت بیشتری بوده است. آنان دلیل این امر را وضعیت بهتر ایتالیای شمالی در زمینه شاخص‌های سرمایه اجتماعی ذکر کرده‌اند. یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در مطالعات آنان، عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها بوده است [Durlauf, 2004, 65].

بنابراین سرمایه اجتماعی نوعی از قرارداد مابین افرادی است که برای برنامه ریزی و ایجاد نظم در زیربنای اقتصادی لازم و ضروری می‌باشد. سرمایه اجتماعی یک اقتصاد خودگرا دارد که در آن افراد می‌توانند آزادانه انتخاب کنند و شبکه‌هایی را بر طبق علائق خود تشکیل دهند و از این طریق می‌توانند به سطح بالایی از سرمایه اجتماعی دسترسی پیدا کنند (pope, 2000, 55).